

متن پرسش

با عرض سلام خدمت استاد طاهرزاده: اول از همه از استادم تقضا دارم که ما رو از دعای خیرتون محروم نکنین خیلی از کتابای شما رو چندین بار مطالعه کردم و بارها و بارها ولی یه جایی گیج شدم یعنی حدود ۸ سالیه که یه سوال برام پیش اومده که هدف ما چیه؟ آیا قلبی کردن معارف عقلی از طریق بندگی یا به صحنه آوردن قلب، یا تجلی اُسما، یا قلبی شدن اُسما، یا ایجاد حضور قلب یا ارتباط با حق یا عشق به خدا یا اینکه همه به یک معنا اند؟ حال استاد! هدف و نیت زندگی این باشه که روز به روز معارف بیشترتری کسب کنیم یا تلاش کنیم معارف رو قلبی کنیم یا قلب رو به صحنه بیاریم یا تلاش کنیم تا خداوند اسماءش رو به قلبمون جلوه کنه؟ چون در کتاب چگونگی فعلیت یافتن باورهای دینی تاکید شما بر حضور قلب و به صحنه آمدن قلب بود. و در کتاب اُسما حسنی تاکید شما بر متجلی شدن اُسما بر قلب بود (هرجا بنگری خدا بینی). و در کتاب اُسما حسنی فرمودین که هدف کسب معرفت است البته گفتین که معرفت قلبی نه عقلی یعنی از طریق عبادت قلبی شوند.

متن پاسخ

- باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! به لطف الهی آرام آرام انسان در مسیر کسب معارف و قلبی کردن آن معارف با بودنی روبرو می شود که آن بودن، همه سرمایه او است. بودنی بیکرانه و جاودان و اکنونی، در آن حدّ که گویا قیامت او برپا می شود. حتماً جریان حارثة بن مالک را دارید که رسول خدا «صلوات الله علیه وآله» احوال او را پرسیدند و فرمودند: «کیف انت یا حارثة بن مالک؟ فقال: یا رسول الله مؤمن حقا. فقال له رسول الله صلی الله علیه وآله: لكل شی حقیقة فما حقیقة قولک؟ فقال: یا رسول الله عزت نفسی عن الدنيا فاسهرت لیلی واطمات هواجری وکانی انظر الی عرش ربی [و] قد وضع للحساب وکانی انظر الی اهل الجنة يتزاورون فی الجنة وکانی اسمع عواء اهل النار فی النار، فقال له رسول الله صلی الله علیه وآله: عبد نور الله قلبه، ابصرت فاثبت، فقال: یا رسول الله ادع الله لی ان یرزقنی الشهادة معک، فقال: اللهم ارزق حارثة الشهادة، فلم یلبث الا ایاما حتی بعث رسول الله صلی الله علیه وآله سریة فبعثه فیها، فقاتل فقتل تسعة - او ثمانية - ثم قتل.»

حضرت فرمود: ای حارثة بن مالک! چگونه ای؟ گفت: یا رسول الله! مؤمن حقیقی ام. رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: هر چیزی دارای حقیقتی است؛ حقیقت گفتار تو چیست؟ گفت: یا رسول الله! به دنیا بی رغبت شده ام، شب را (برای عبادت) بیدارم و روزهای گرم را (در اثر روزه) تشنگی می کشم و

گویا عرش پروردگارم را می نگرَم که برای حساب گسترده گشته و گویا اهل بهشت را می بینم که در بهشت یکدیگر را ملاقات می کنند که گویا ناله اهل دوزخ را در میان دوزخ می شنوم. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: او بنده ای است که خداوند دلش را نورانی فرموده و خطاب به او فرمود: بصیرت یافتی، ثابت باش. حارثه عرض کرد: ای رسول خدا! از خدا بخواه که شهادت در رکابت را به من نصیب کند. حضرت فرمود: خدایا! شهادت را نصیب حارثه کن. چند روزی پیش نگذشت که رسول خدا صلی الله علیه و آله لشکری برای جنگ فرستاد و حارثه را هم به آن جنگ فرستاد. او به میدان جنگ رفت و نه یا هشت تن را کشت و سپس شهید شد. موفق باشید